

بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری با دانش و نگرش جنسی والدین و میزان علاقه‌مندی به گفتگو در مورد موضوعات جنسی خانواده در شهر شیراز

سهیلا باستانی*^۱، میترا صفاکیش^۲

۱- دکتری مشاوره، مؤسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز، گروه روانشناسی و مشاوره، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

Soheilabastani3@gmail.com

۲- دانشجو کارشناسی روانشناسی مؤسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز، گروه روانشناسی و مشاوره، شیراز، ایران.

Mitrasafakish@gmali.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۳/۲]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۱۰/۶]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ی بین سبک‌های فرزند پروری با میزان دانش و نگرش جنسی والدین و میزان راحتی و علاقه‌مندی آنها به گفت و گو با فرزندان در مورد موضوعات جنسی انجام گرفت. نمونه آماری ۱۶۰ نفر از والدین دارای فرزند در شهر شیراز بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده ها، از پرسشنامه های شیوه های فرزندپروری (دیانا بامریند، ۱۹۹۱)، میزان علاقه‌مندی والدین به گفتگو در مورد موضوعات جنسی (کوبلینسکی و اتکینسون، ۱۹۸۲) و پرسشنامه دانش و نگرش جنسی (بشارت، ۱۳۸۴) استفاده شد. پایایی ابزارها با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. با استفاده از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون، رابطه هر یک از ابعاد سبک های فرزند پروری با دانش و نگرش جنسی والدین و میزان علاقه مندی به گفتگو در موضوعات جنسی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش بین سبک فرزندپروری استبدادی با علاقه‌مندی به گفت و گو در مورد موضوعات جنسی رابطه منفی معناداری وجود دارد. بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با دانش و نگرش جنسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین بین سبک فرزندپروری سهل گیر با دانش و نگرش جنسی و علاقه به گفت و گو در مورد مسائل جنسی در خانواده هیچ رابطه معناداری مشاهده نشد. با این حال، حتی با وارد شدن دانش و نگرش جنسی به پیش بینی همچنان سبک فرزندپروری استبدادی به طور منفی میزان علاقه‌مندی به گفت و گو در مورد موضوعات جنسی در والدین را پیش بینی می کند. نتیجه گیری: بهترین سبک فرزند پروری جهت برقراری ارتباط با فرزندان و گفت و گو راجع به مسائل جنسی سبک فرزند پروری مقتدرانه بوده و والدین باید نسبت به افزایش دانش و آگاهی خود در زمینه مسائل جنسی و یادگیری اصول فرزند پروری مقتدرانه اقدام کرده تا بتوانند از بروز رفتارهای پرخطر و آسیب رسان در فرزندان جلوگیری نمایند.

واژگان کلیدی: خانواده، سبک‌های فرزندپروری، دانش و نگرش جنسی، علاقه‌مندی به گفتگو در موضوعات جنسی.

۱- مقدمه

خانواده اهمیت فوق‌العاده‌ای در شکل‌گیری و تکامل رفتاری اعضای خود ایفا نموده و نخستین گروه است که مسئولیت آموزش فرزندان را بر عهده دارد (کارشکی، مهدوی‌کیا، خادمی و گل‌مکانی، ۱۳۹۸). تأثیر خانواده بر رشد همه‌جانبه کودک، از لحظه تولد آغاز شده و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود و در سراسر زندگی باقی می‌ماند (وکیلی و آقاحسینی، ۱۳۹۸).

اساسی‌ترین و مهم‌ترین نقش والدینی زوجین، فرزندپروری^۱ و تربیت فرزندان می‌باشد. والدین از طریق فرزندپروری می‌توانند در جهت ارضای نیازهای فرزندان خود برنامه‌ریزی نمایند.

در سبک مقتدرانه تعامل بین والدین و فرزند با پاسخ‌دهی مثبت حمایت و گرمی وجود دارد (Keijsers, Olofsdotter, Nilsson & Åslund, 2020). در سبک مستبدانه والدین به‌طور غیرقابل‌سازش ایده‌های خود را بدون توجه به اراده فرزند اجرا می‌کنند. در این شیوه فرزند پروری، کاهش سطح سلامت روانی و افزایش افسردگی، اضطراب و اختلال خواب، علائم جسمانی و اختلال در کارکردهای اجتماعی مرتبط دیده می‌شود (Brosnan, Kolubinski, & Spada, 2020). همچنین در سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه، نگرش مثبتی نسبت به بزهکاری و انجام رفتارهای پرخطر دیده می‌شود (رادمهر و حیدریانی، ۱۳۹۸).

استفاده از سبک مقتدرانه موجب می‌شود که والدین در ارتباط با فرزندان درگیر جنگ قدرت و بگو مگو نگردند. زمانی که والدین در روش‌های تربیتی خود در مورد فرزندشان ثابت‌قدم هستند، به گفته‌های کودکان خود گوش می‌سپارند و گفتگو با آن‌ها را ترویج می‌دهند، کودکان رشد اجتماعی بیشتری را نشان می‌دهند (ذکایی فر و موسوی‌زاده، ۱۳۹۹)؛ زیرا پدر و مادر از ابتدا تا انتها با مراحل مختلف رشد کودک، کنجکاوی‌ها و سؤالات مختلف، همراه کودک هستند و می‌توانند اطلاعات سازگار با ارزش‌های خود را به فرزندانشان انتقال دهند (باقری، پولادی و امینی راستابی، ۱۳۹۹).

امروزه دگرگونی سیستم‌های ارزشی در جامعه و خانواده به همراه ورود فناوری نوین و فرهنگ نهفته در بطن آن و ورود بیش‌ازپیش امکانات ارتباطی سبب شده رابطه والدین اعم از آموزشی و غیر آموزشی با فرزندان، رابطه‌ای یکسان نباشد (پور رحیمی، کنعانی و حلاج‌زاده، ۱۳۹۹). گرچه میل جنسی بین همه موجودات زنده مشترک است و ریشه غریزی دارد، بخش عمده تجارب مربوط به آن از جمله چگونگی ظهور و بروز این میل، به‌عنوان امری آموختنی در نظر گرفته می‌شود که در متن جامعه و تعاملات شکل می‌گیرد (Davis, 1944)، به نقل از آقاییاری و همکاران، ۱۳۹۹؛ بنابراین افرادی که در کلاس‌ها، سمینارها و برنامه‌های آموزش جنسی شرکت می‌کنند درک بهتری از مسائل جنسی خواهند داشت (Goergjens, 1993)، به نقل از حسینی خیرآبادی، مؤمنی مهمویی، زیرک و اکبری، ۱۳۹۹). پدر و مادر آگاه می‌دانند که تربیت جنسی کارآمد، نه تنها احتمال خطراتی مثل سوءاستفاده جنسی را برای فرزندان در جامعه امروزی کمتر می‌کند، بلکه او را برای زندگی سالم نیز آماده می‌کند (صادقی، ۱۳۹۸).

در این میان والدینی که از دانش و مهارت کافی برخوردارند، در انجام وظایف و نقش‌های خود، دارای صلابت و اطمینان بیشتری هستند و با چالش‌های پیش رو مبارزه می‌کنند تا به فرصت تبدیل شود (Spector, 2006)؛ به نقل از پناهی، ۱۳۹۹). برای مثال، در پژوهشی مادران آموزش دیدند که توضیحاتی در مورد تغییرات معمول دوره بلوغ به نوجوانانشان ارائه دهند که احتمالاً این تعاملات آن‌ها با فرزندشان باعث شده، نوجوان تغییرات را به‌عنوان پدیده‌ای عمومی و همگانی پذیرفته و خودپذیری بیشتری داشته باشد (طاوسی، شفیع‌آبادی و سلیمی بجستانی، ۱۳۹۹).

آموزش جمعی با رویکرد عدالت اجتماعی، برای تمایلات جنسی سالم ضروری تشخیص داده شده است (Goldfarb & Lieberman, 2021). همچنین آموزش جنسی موجب می‌شود افراد، آمیزش غیرارادی یا اولین رابطه قبل از ۱۵ سالگی را با احتمال کمتری گزارش دهند (Cheedalla, Moreau & Burke, 2020). از این رو علاقه روزافزونی در میان نوجوانان برای به دست آوردن اطلاعات سلامت جنسی به صورت آنلاین وجود دارد (Yoost, Ruley & Durfee, 2021) و این آموزش‌ها ممکن است برای برخی فرهنگ‌ها این نگرانی را به وجود آورد که با ارزش‌های آنان متضاد باشد (van Wees, Fried & Larsson, 2021)؛ عموماً والدین بیش از آنکه اطلاعات شفافی درباره مسائل جنسی به فرزندان خود انتقال دهند، پیام‌هایی در مورد اخلاق جنسی و خویشتن‌داری به آن‌ها می‌دهند که اغلب منفی یا اخطار آمیز است (معماری، خنیفر، مهران، یزدانی و فریدونی، ۱۳۹۸). صد البته عادی برخورد کردن با سؤال‌های جنسی فرزندان به معنی بی‌توجهی به حساسیت این‌گونه مسائل نیست بلکه اتخاذ یک رویه متعادل و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط بهترین راهبرد است (طهماسب‌زاده شیخ‌لار، عظیم‌پور، ایمان‌زاده و عباس‌زاده، ۱۳۹۹).

با وجود اهمیت بحث هنوز هم بسیاری از اولیا در مورد تربیت جنسی دچار سرگردانی هستند و مسائلی چون شرم و حیا و بی‌خبری از شیوه درست بیان حقایق در این زمینه و وحشت از بدآموزی باعث می‌شود تا والدین با فرزندان خود در این باره گفتگو نکنند (باقری و همکاران، ۱۳۹۹). تاکنون مطالعات بسیاری در هر کدام از حوزه‌های تربیت جنسی و فرزند پروری انجام گرفته است، لیکن از آنجایی که مقوله‌ی نقد، تغییر و «گفتگو» محور مطالعه‌ی تعلیم و تربیت انتقادی فریره^۱ است، ما نیز با اضافه کردن بُعد میل به گفتگو، در بین نمونه‌های فرهنگ ایرانی هدف از این پژوهش را بررسی روابط این سه متغیر طبق فرضیه‌های زیر قرار دادیم:

فرضیه ۱: بین سبک فرزند پروری استبدادی با علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی در خانواده رابطه منفی معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین سبک فرزند پروری استبدادی با دانش و نگرش جنسی والدین رابطه منفی معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی در خانواده رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با دانش و نگرش جنسی والدین رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵: بین سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه با علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی در خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۶: بین سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه با دانش و نگرش جنسی والدین رابطه معناداری وجود دارد.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

زهراکار و جعفری (۱۴۰۰) خانواده را نظامی اجتماعی و طبیعی می‌دانند که مجموعه‌ای از قواعد را ایجاد می‌کند، نقش‌هایی را برای اعضای خود طراحی و به آنها نسبت می‌دهد و دارای شیوه‌های مبسوطی از مذاکره و حل مسئله است که برای اعضا، انجام اثربخش تکالیف متعدد را میسر می‌سازد. گفتنی است شیوه‌های فرزندپروری عبارت از مجموعه رفتارهای به هم پیوسته‌ای است که تعامل والد-کودک را روی طیف خاصی نشان می‌دهد. اهمیت و توجه به دو بعد از رفتارهای والدین یعنی «پذیرش در برابر

طرد» و «سختگیری در برابر آسان گیری» موجب شده که محققان در خصوص سبک‌های فرزندپروری والدین و تاثیراتی که هر کدام از آنها بر رشد کودکان دارند به بررسی بپردازند و الگوهای مختلفی ارائه دهند (سلطانی، ۱۴۰۱). مکاتب روانکاوی، گشتالت و مزلو بیان می‌کنند که نیاز جنسی از انگیزه‌های بنیادین آدمی است؛ غریزه‌ای که افراد بهنجار تمایل به ارضای آن دارند اما در بسیاری از افراد، دانش و نگرش نامطلوب، منجر به اختلالات متعددی از جمله تعارضات زناشویی، دلزدگی زناشویی، سوء استفاده جنسی و ... می‌گردد (بیگدلی مجرد، انتصار فومنی و حجازی، ۱۳۹۹). لذا نوآوری در پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی بین این متغیرها در کنار یکدیگر است.

طهماسب زاده شیخ‌لار، عظیم‌پور، ایمان‌زاده و عباس‌زاده (۱۳۹۹) نشان دادند که بر اساس نظرات معلمان و والدین، می‌توان در پنج مضمون کلی برنامه‌های آموزش تربیت جنسی در بین نوجوانان را اعمال کرد که عبارتند از: غلبه بر موانع فرهنگی، ملاحظات فرهنگی-اجتماعی، ظرفیت‌سازی در نظام آموزشی و والدین، راهکارهای آموزش و اصول آموزش. شمس‌الهی و جدیدیان (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف اثربخشی سبک‌های فرزندپروری والدین بر گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر انجام دادند. وکیلی و آقا حسینی (۱۳۹۸) بیان کردند آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال به صورت همزمان، تاثیر معنی‌داری وجود دارد. معماری، خنیفر، مهران، یزدانی و فریدونی (۱۳۹۸) در واکاوی مفهوم سلامت جنسی دانش‌آموزان نوجوان از منظر صاحب نظران با تمرکز بر آموزش والدین، نتیجه گرفتند خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد تأمین کننده سلامت جنسی نیازمند آموزش درست است. حسینی خیرآبادی همکاران (۱۳۹۹) عوامل موثر بر تربیت جنسی دانش‌آموزان نوجوان را بررسی کردند. آقایاری، عباس‌زاده، علیزاده و کاتبی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان سلامت جنسی به مثابه مسئله‌ای اجتماعی را انجام دادند. فریدی زاده، حیدری و نیستانی (۱۳۹۸) رابطه گفتگومحوری در خانواده با خودگردانی فرزندان و تبیین تربیتی آن را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که گفتگو در خانواده، به عنوان نوعی محرک شناختی قوی، توانایی استدلال و خودگردانی فردی را در فرزندان تقویت خواهد کرد. وون ویس، فرید و لارسون^۱ (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان ادراک والدین مهاجر عرب زبان، از آموزش جنسی در سوئد انجام دادند. یوست، رولی و دورفی^۲ (۲۰۲۱) یک وبسایت خود آموز را با موفقیت آزمایش کردند و نتیجه گرفتند روشی قابل قبول برای آموزش رابطه صحیح جنسی است. گلدفرب و لیرمن^۳ (۲۰۲۱) طی تحقیقی مروری، براساس رویکرد عدالت اجتماعی از آموزش جمعی در برنامه‌درسی مدرسه برای تمایلات جنسی سالم پشتیبانی کردند. چیدالا، موریو و بورک^۴ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان آموزش جنسی و استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری در نوجوانان و جوانان زن، در ایالات متحده را انجام دادند. بروسنان، کلوبینسکی و اسپادا^۵ (۲۰۲۰) نقش سبک‌های فرزندپروری و فراشناخت‌ها را به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مصرف حشیش بررسی کردند. کیجسر، الوفسداتر، نیلسون و آسلوند^۶ (۲۰۲۰) در رویکردی مقطعی و طولی، تأثیر سبک‌های فرزندپروری و افسردگی والدین بر نوجوانان دارای علائم افسردگی را نشان دادند.

۳- روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری این پژوهش را متاهلین دارای فرزند شهر شیراز در سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دادند که به تمامی آنان اطمینان کافی از محرمانه ماندن اطلاعات ارائه گردید. با توجه به جامعه مورد مطالعه پژوهشگر در

1. van Wees, Fried & Larsson
2. Yoost, Ruley & Durfee
3. Goldfarb & Lieberman
4. Cheedalla, Moreau & Burke
5. Brosnan, Kolubinski & Spada
6. Keijsers, Olofsdotter, Nilsson & Åslund

این تحقیق، از نمونه‌گیری ساده استفاده شده است. از میان جامعه آماری طبق فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۱۶۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید. ملاک‌های ورود شامل ۱- متأهل بودن، ۲- عدم مشکلات روانی و سابقه بیماری بنا بر گزارش خود آزمودنی، ۳- دارای حداقل یک فرزند و ملاک‌های خروج شامل ۱- یکی از والدین دارای اختلالات روانی باشند ۲- نداشتن فرزند بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss 22 انجام شد. از روش‌های آماری همبستگی و تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه‌ها استفاده گردید.

۳-۱- ابزار

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری: این پرسشنامه که توسط دیانا بامریند^۱ (۱۹۹۱) ساخته شده است، یک ابزار سه‌بعدی جهت بررسی الگوهای نفوذ والدین بر اساس نظریه اقتدار والدینی تحت سه عنوان سهل‌گیری^۲، استبدادی^۳ و اقتدار منطقی^۴ طراحی گردید. شامل ۳۰ سؤال می‌باشد که ۱۰ سؤال به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ سؤال به شیوه مستبدانه و ۱۰ سؤال به شیوه مقتدرانه مربوط است. نمرات برحسب یک مقیاس پنج درجه‌ای به صورت کاملاً مخالفم = ۰ تا کاملاً موافقم = ۴ مشخص شد و با جمع نمرات در مورد هر کدام از سه الگوی بیان شده، نمرات مجزا برای هر آزمودنی به دست آمد. پایایی این ابزار در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته، اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای الگوی سهل‌گیری ۰/۶۹، استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است.

پرسشنامه میزان علاقه‌مندی والدین در گفتگو در مورد موضوعات جنسی: این ابزار توسط کوبلینسکی و اتکینسون^۵ (۱۹۸۲) ساخته شده است و دارای ۱۳ سؤال هست که به صورت یک طیف پنج نقطه‌ای از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵ به ارزیابی میزان علاقه‌مندی والدین به گفتگو در مورد موضوعات جنسی با فرزندان می‌پردازد. مجموع نمرات حاصل از تک‌تک سؤالات در هر آزمودنی، دامنه‌ای از ۱۳ تا ۶۵ خواهد داشت که امتیاز کمتر از ۲۱، کمترین سطح، بین ۲۲ تا ۴۳ سطح متوسط و بالاتر از ۴۴ بالاترین سطح از علاقه‌مندی را بیانگر است. در پژوهش یوزباشی، معرف‌وند و حسین‌زاده (۱۳۹۶) روایی ظاهری و محتوایی این مقیاس مورد تأیید قرار گرفت. همچنین پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

پرسشنامه دانش و نگرش جنسی SKAS^۶: این مقیاس توسط بشارت (۱۳۹۲) ساخته شده که دارای ۲۰ ماده شامل دو مؤلفه دانش جنسی و نگرش جنسی می‌باشد. پاسخ‌دهی به صورت مقیاس پنج درجه‌ای، درجه بندی لیکرت با نمره‌گذاری ۵ برای کاملاً موافقم تا ۱ برای کاملاً مخالفم است که سؤالات ۱۵ و ۱۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردد. دامنه نمرات بین ۲۰ تا ۱۰۰ خواهد بود و نمرات بالاتر، دانش و نگرش جنسی بالاتر را نشان می‌دهد. همچنین نمرات مربوط به هر دو مؤلفه به صورت جداگانه برای هر آزمودنی قابل محاسبه است. بشارت و رنجبرکلاگری (۱۳۹۲) به بررسی اعتباریابی این مقیاس پرداختند و گزارش کردند پایایی بازآزمایی مقیاس دانش و نگرش جنسی بر اساس نتایج دو بار آزمون محاسبه شد و با ضرایب همبستگی از ۰/۷۶ تا ۰/۸۷ مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس نتایج این پژوهش مقیاس دانش و نگرش جنسی برای سنجش این سازه در نمونه‌های ایرانی از پایایی و روایی کافی برخوردار است. نیز فرج‌نیا، حسینیان، شهیدی و صادقی (۱۳۹۳) در پژوهش تهیه و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس عملکرد جنسی زناشویی، روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه را مورد تأیید خواندند.

1. Baumrind
2. Permissive
3. Authoritarian
4. Authoritative
5. Koblinsky & Atkinson
6. Sexual Knowledge and Attitude Scale

۴- یافته‌ها

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر | تعداد آیتم | میانگین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی | آلفای کرونباخ |
|--------------------------------------------|------------|---------|--------------|-------|--------|---------------|
| سبک استبدادی | ۱۰ | ۱۳/۹۲ | ۴/۹۲ | ۰/۳۶ | ۱/۰۱ | ۰/۶۷ |
| سبک مقتدرانه | ۱۰ | ۳۲/۳۲ | ۳/۳۶ | -۰/۱۶ | ۰/۷۵ | ۰/۶۸ |
| سبک سهل گیر | ۱۰ | ۱۷/۲۹ | ۴/۰۳ | -۰/۰۹ | -۰/۰۹ | ۰/۶۵ |
| دانش و نگرش جنسی | ۲۰ | ۸۱/۴۲ | ۹/۰۲ | -۰/۷۷ | ۱/۵۱ | ۰/۸۵ |
| دانش جنسی | ۱۰ | ۴۱/۶۰ | ۶/۵۰ | -۱/۱۶ | ۲/۹۶ | ۰/۹۲ |
| نگرش جنسی | ۱۰ | ۳۹/۸۲ | ۳/۹۴ | ۰/۰۱ | ۰/۶۲ | ۰/۶۸ |
| علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی | ۱۳ | ۲۵/۴۶ | ۹/۵۴ | ۰/۹۸ | ۰/۹۵ | ۰/۹۴ |

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین و انحراف استاندارد گزارش شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین نمره سبک فرزندپروری مقتدرانه از سبک استبدادی و سبک سهل گیر بیشتر است. همچنین میانگین نمره دانش جنسی بیشتر از میانگین نگرش جنسی است. برای بررسی پایایی نمره‌ها ضریب آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها محاسبه شد که همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود بین ۰/۶۵ تا ۰/۹۴ است که نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزارهای اندازه‌گیری استفاده‌شده در پژوهش است. همچنین برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها ضرایب چولگی^۱ و کشیدگی^۲ را می‌توان استفاده کرد (کلاین^۳، ۲۰۱۵). اگر این ضرایب در محدوده ۲ و ۲- باشد نشان‌دهنده توزیع نرمال داده‌ها است. در مورد ضریب کشیدگی مقدار بین ۳ و ۳- نیز پذیرفته می‌شود. همان‌طور که در جدول گزارش شده است تمام ضرایب در محدوده‌ی مناسب قرار دارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

| گفت‌وگو | نگرش جنسی | دانش جنسی | دانش و نگرش جنسی | سهل گیر | مقتدرانه | استبدادی |
|---------|-----------|-----------|------------------|---------|----------|----------|
| | | | | | | ۱ |
| | | | | | ۱ | -۰/۱۰ |
| | | | | ۱ | ۰/۰۹ | ۰/۴۰** |
| | | | ۱ | ۰/۱۶ | ۰/۳۲** | -۰/۱۶ |
| | | ۱ | ۰/۹۲** | ۰/۱۲ | ۰/۲۵** | -۰/۱۴ |
| | ۱ | ۰/۴۶** | ۰/۷۷** | ۰/۱۷* | ۰/۳۲** | -۰/۱۳ |
| ۱ | ۰/۰۹* | ۰/۲۸** | ۰/۲۴** | ۰/۰۶ | ۰/۱۴* | -۰/۲۱* |

** معنادار در سطح ۹۹ درصد؛ * معنادار در سطح ۹۵ درصد

1. Skewness
2. kurtosis
3. Kline

در جدول ۲ ماتریس همبستگی تمام متغیرهای مورد بررسی در پژوهش گزارش شده است. به‌منظور آزمون فرضیه‌های رابطه‌ای بین متغیرهای پژوهش ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. پیش‌فرض‌های ضریب همبستگی پیرسون از جمله فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری و نرمال بودن توزیع متغیرها برقرار بود.

جدول ۳. همبستگی بین سبک فرزندپروری استبدادی با دانش و نگرش جنسی و علاقه به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی

| متغیر | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | سطح معنی‌داری |
|-------------------|--------------|------------|---------------|
| دانش و نگرش جنسی | -۰/۱۶ | ۰/۰۳ | ۰/۰۶ |
| سبک | ۰/۱۴ | ۰/۰۲ | ۰/۰۹ |
| فرزندپروری | ۰/۱۳ | ۰/۰۲ | ۰/۱۲ |
| استبدادی | -۰/۲۱ | ۰/۰۴ | ۰/۰۱ |
| مورد موضوعات جنسی | | | |

همان‌طور که در جدول ۳ گزارش شده است، بین سبک فرزند پروری استبدادی و علاقه به گفت‌وگو در مورد مسائل جنسی همبستگی منفی معنادار وجود دارد (سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵)؛ بنابراین فرضیه صفر رد و این فرضیه پژوهش که «بین سبک فرزندپروری استبدادی با علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی در خانواده رابطه منفی و معناداری وجود دارد» تأیید می‌شود. به‌عبارت‌دیگر هر چه نمره والدین در سبک فرزند پروری استبدادی بیشتر است، کمتر علاقه‌مند به گفت‌وگو در مورد مسائل جنسی با فرزندشان هستند. بین سبک فرزندپروری استبدادی با دانش و نگرش جنسی و هر کدام از مؤلفه‌های دانش و نگرش به‌طور جداگانه رابطه معناداری وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه صفر پذیرفته و این فرضیه پژوهش که «بین سبک فرزندپروری استبدادی و دانش و نگرش جنسی رابطه منفی معناداری وجود دارد» رد می‌شود.

جدول ۴. همبستگی بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با دانش و نگرش جنسی و علاقه به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی

| متغیر | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | سطح معنی‌داری |
|-------------------|--------------|------------|---------------|
| دانش و نگرش جنسی | ۰/۳۲ | ۰/۱۰ | ۰/۰۰ |
| سبک | ۰/۲۵ | ۰/۰۶ | ۰/۰۰ |
| فرزندپروری | ۰/۳۲ | ۰/۱۰ | ۰/۰۰ |
| مقتدرانه | ۰/۱۴ | ۰/۰۲ | ۰/۱۰ |
| مورد موضوعات جنسی | | | |

همان‌طور که در جدول ۴ گزارش شده است، بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و دانش و نگرش جنسی همبستگی مثبت معنادار (سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۱) وجود دارد. همچنین بین سبک مقتدرانه و هر کدام از مؤلفه‌های دانش (سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۱) و نگرش (سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۱) همبستگی مثبت معنادار وجود دارد؛ بنابراین فرضیه صفر رد و این فرضیه پژوهش که: «بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و دانش و نگرش جنسی رابطه مثبت معنادار وجود دارد» تأیید می‌شود. به‌عبارت‌دیگر هر چه نمره والدین در سبک مقتدرانه بیشتر است میزان دانش و نگرش جنسی آن‌ها بیشتر است. در مورد فرضیه «بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی در خانواده رابطه مثبت معنادار وجود دارد»، فرضیه

صفر تأیید و فرضیه پژوهش رد شد. بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و علاقه به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی با فرزندان رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد.

جدول ۵. همبستگی بین سبک فرزندپروری سهل‌گیر با دانش و نگرش جنسی و علاقه به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی

| متغیر | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | سطح معنی‌داری |
|--------------------------------------------|--------------|------------|---------------|
| سبک فرزند پروری سهل‌گیر | ۰/۱۶ | ۰/۰۳ | ۰/۰۶ |
| دانش جنسی | ۰/۱۲ | ۰/۰۱ | ۰/۱۴ |
| نگرش جنسی | ۰/۱۷ | ۰/۰۳ | ۰/۰۴ |
| علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی | ۰/۰۶ | ۰/۰۰ | ۰/۴۷ |

همان‌طور که در جدول ۵ گزارش شده است، در مورد این فرضیه «بین سبک فرزندپروری سهل‌گیر و دانش و نگرش جنسی رابطه معناداری وجود دارد»، فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش رد می‌شود. البته بین سبک فرزندپروری سهل‌گیر و مؤلفه نگرش جنسی والدین ارتباط مثبت معنادار وجود دارد (سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۱). به عبارت دیگر هر چه نمره سبک فرزندپروری سهل‌گیر والدین بیشتر است، نمره میزان نگرش جنسی آن‌ها نیز بالاتر است؛ اما بین سبک فرزندپروری سهل‌گیر و دانش جنسی و هم‌چنین علاقه به گفت‌وگو در مورد مسائل جنسی با فرزندان هیچ رابطه معناداری مشاهده نشد.

در مرحله بعد با استفاده از مدل رگرسیون سلسله مراتبی نقش پیش‌بین سبک فرزند پروری استبدادی و دانش و نگرش جنسی در پیش‌بینی علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی در خانواده بررسی شد. پیش از انجام رگرسیون، مهم‌ترین پیش‌فرض‌های آن بررسی و تأیید شد. برای بررسی استقلال خطاها آزمون دوربین-واتسون انجام شد. همچنین برای آزمون خطی از دو شاخص ضریب تحمل (تولرنس) و تورم واریانس استفاده شد. مقدار آزمون دوربین-واتسون برابر با ۱/۷۵ بود که نشان‌دهنده استقلال خطاها است. نتایج بررسی مفروضه هم خطی نشان می‌دهد که بین متغیرهای پیش‌بین، هم خطی چندگانه وجود ندارد، بنابراین نتایج حاصل از رگرسیون قابل اطمینان است.

جدول ۶. آزمون معناداری رگرسیون سلسله مراتبی سبک فرزندپروری استبدادی و تعامل آن با دانش و نگرش جنسی در پیش‌بینی علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی

| مدل | متغیر پیش‌بین | R | R ² | R ² تعدیل شده | تغییرات خطای استاندارد | F | P | مفروضه هم خطی |
|-----|----------------------------------|------|----------------|--------------------------|------------------------|------|------|---------------|
| | | | | | برآورد | | | VIF تولرنس |
| ۱ | سبک استبدادی | ۰/۲۱ | ۰/۰۵ | ۰/۰۴ | ۹/۳۵ | ۶/۷۹ | ۰/۰۱ | ۱ |
| ۲ | سبک استبدادی دانش و نگرش جنسی | ۰/۳۰ | ۰/۰۹ | ۰/۰۸ | ۹/۱۶ | ۶/۹۸ | ۰/۰۰ | ۰/۹۷ |

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود ابتدا متغیر پیش‌بین سبک فرزندپروری استبدادی به‌عنوان متغیر پیش‌بین وارد مدل شد و در مدل دوم دانش و نگرش جنسی نیز به‌عنوان متغیر پیش‌بین وارد تحلیل شد. بر اساس نتایج با وارد شدن دانش و نگرش جنسی به

تحلیل درصد تبیین واریانس از ۰/۰۵ به ۰/۰۹ افزایش یافت. مقدار آزمون F و سطح معناداری آن در هر دو مدل نشان‌دهنده‌ی معنادار بودن نقش پیش‌بینی کنندگی متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی متغیر وابسته است.

جدول ۷. ضرایب (شاخص‌ها) رگرسیون

| متغیر ملاک | متغیر پیش‌بین | B | SE | BETA | T | P |
|--------------------------------------------|---------------|-------|------|-------|-------|------|
| علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی | سبک استبدادی | -۰/۴۱ | ۰/۱۶ | -۰/۲۱ | -۲/۶۰ | ۰/۰۱ |
| | سبک استبدادی | -۰/۳۵ | ۰/۱۶ | -۰/۱۸ | -۲/۲۰ | ۰/۰۳ |
| دانش و نگرش جنسی | | ۰/۲۳ | ۰/۰۹ | ۰/۲۱ | ۲/۶۲ | ۰/۰۱ |

همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، ضریب پیش‌بینی استاندارد هر دو متغیر پیش‌بین معنادار است. با اضافه شدن دانش و نگرش جنسی به تحلیل در مدل، با وجود کمتر شدن ضریب پیش‌بینی سبک فرزندپروری استبدادی، همچنان هر دو ضریب معنادار است. این نتیجه را می‌توان چنان در نظر گرفت که حتی با وارد شدن دانش و نگرش جنسی به پیش‌بینی همچنان سبک فرزندپروری استبدادی به‌طور منفی میزان علاقه‌مندی به گفت‌وگو در مورد موضوعات جنسی در والدین را پیش‌بینی می‌کند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با دانش و نگرش جنسی والدین و میزان علاقه‌مندی آن‌ها به گفتگو در هر کدام از این سبک‌ها بود. نتایج حاصل بیانگر این است که بین سبک استبدادی و علاقه به گفتگو رابطه معنادار منفی وجود دارد. این نتیجه با پژوهش‌های بوهم^۱ (۱۹۹۴)؛ فریدی زاده همکاران (۱۳۹۸)؛ شمس‌الهی و جدیدیان (۱۳۹۹) همسو می‌باشد.

بوهم (۱۹۹۴) عدم حکم‌فرمایی تسلط و قدرت را از شروط گفتگوی اصیل برمی‌شمارد. او معتقد است که سلسله‌مراتب قدرت، مانعی بر سر راه گفت‌وگو است؛ چون در این حالت، تنها صدای کسی شنیده می‌شود که از قدرت بیشتری برخوردار باشد؛ اما در خانواده به دلیل وجود فضای مبتنی بر اعتماد، اطمینان، عشق و احترام، سلسله‌مراتب قدرت به‌سان روابط خشک و رسمی جامعه (مانند کارفرما و کارگر، مدیر و کارمند یا فرمانده و سرباز)، وجود ندارد.

خانواده گفتگو محور از هر فرصتی برای تبادل دیدگاه‌ها بین والدین و فرزندان استفاده می‌شود. با چنین روشی و با ایجاد فضایی مبتنی بر احترام متقابل و عطف، فرصت تفکر و ارائه دیدگاه شخصی برای فرزندان به وجود می‌آید. فرزندان که با این نوع تبادل دیدگاه‌ها در خانواده رشد می‌کنند؛ ضمن اینکه ارزش احترام متقابل را درک می‌کنند، متوجه می‌شوند که هر انسان می‌تواند و باید صاحب دیدگاهی مربوط به خود باشد و این خود قدم بزرگی در ایجاد توانایی خودگردانی در آن‌هاست. اگر والدین، پس از هر اظهارنظر خام و به‌ظاهر غیرمنطقی فرزندان با لحنی تند و پرخاشگرانه خطای آن‌ها را یادآور شوند و آن را تصحیح کنند، فرزندان متقاعد می‌شود که واقعیت فقط می‌تواند از ذهن بزرگسالان صادر شود و این باعث بی‌اعتمادی فرزندان به ذهن خودشان می‌شود؛ اما والدین آشنا به روش اصول گفتگو به فرزندان اجازه می‌دهند که دلیل خود را برای رسیدن به جواب شرح دهند. معمولاً بچه‌ها وقتی سعی می‌کنند که استدلال خود را برای دیگران شرح دهند، خودشان جواب را تصحیح می‌کنند و به‌تدریج به «استقلال در استدلال»

دست می‌یابند. عدم ارتباط دوستانه با فرزندان منشأ بسیاری از سرخوردگی‌ها و لغزش‌های نوجوانان است که باعث خلاء عاطفی گردیده و احیاناً در آینده باعث مشکلاتی برای نوجوان خواهد شد.

بین سبک مقتدرانه و دانش و نگرش جنسی رابطه مثبت معنادار مشاهده شد این نتیجه با پژوهش‌های، گیلیام، جوگادا، هیثکوک، اورزالی، ساپر، دادلی و همکاران^۱ (۲۰۱۶)؛ حسینی و همکاران (۱۳۹۹) و ویلدر و وات^۲ (۲۰۰۲) همسو است. اما باز هم بین والدین این سبک و تمایل به گفتگو در مسائل جنسی دیده نشد که در تبیین این یافته می‌توان گفت احتمالاً ریشه در تابوهای فرهنگی مبنی بر ترس از شکستگی حریم‌ها و بروز بلوغ زودرس دارد.

تربیت جنسی امری تدریجی و مرحله‌ای است که باید بر اساس ویژگی‌های کودکان و نوجوانان صورت گیرد. در ایران نیز حوزه تربیت جنسی همواره به دلیل وجود پاره‌ای از ابهامات، سوء تفاهم‌های نظری و فکری و موانع اجرایی با مشکلات فراوانی دست به گریبان بوده و همین امر، زمینه‌ساز بروز بسیاری از معضلات اجتماعی و انحرافات رفتاری در میان نسل جوان شده است (Gilliam & et al, 2016).

در خانواده‌های سهل گیر هیچ رابطه‌ای بین دانش و نگرش جنسی همچنین علاقه‌مندی به گفتگو یافت نشد. تنها بین مؤلفه نگرش جنسی و سهل گیری رابطه مثبت معناداری وجود داشت که شاید مؤید افراطی‌گری در آزاد گذاری فرزندان در همه زمینه‌ها و از جمله موضوعات جنسی باشد که با پژوهش‌های گذشته همسو است (شمس الهی و جدیدیان، ۱۳۹۹؛ اسعدی ۱۳۹۳؛ Kazdin & Whitley, 2006). نتیجه اینکه آگاهی دادن به والدین در مورد انتخاب شیوه منطقی و مقتدرانه در پرورش فرزندان از یکسو و نیاز به بالا بردن دانش و نگرش جنسی جامعه از سوی دیگر می‌تواند منجر به راحتی خانواده در گفتگو در مورد موضوعات جنسی و نهایتاً کم کردن آسیب‌ها و اختلالات ناشی از این فقدان بیانجامد، چنانچه فیریه محور اصلی تعلیم و تربیت را گفتگو در فضایی کاملاً آزادانه معرفی می‌نماید. پیشنهاد می‌شود تجهیز شدن والدین به فنون فرزند پروری و انتخاب روش منطقی و قاطعانه در کنار بالا بردن پشتوانه دانش و نگرش جنسی والدین برای زمینه‌سازی بالا بردن میزان تمایل و راحتی در گفتگو بین والدین و فرزندان در مورد موضوعات جنسی در دستور کار آموزش و پرورش و سایر نهادهای مربوطه قرار گیرد تا پیام‌های مربوط به سنین قبل از بلوغ و بلوغ برای ایجاد پیشگیری از خطرات جنسی و برخورد صحیح با غرایز طبیعی در اختیار قرار گیرد.

به نظر می‌رسد خانواده‌های ایرانی اگرچه معتقدند فرزندانشان باید از ماهیت رشد جنسی آگاه باشند، اما وقتی صحبت از نحوه آموزش جنسی می‌شود، به شدت با آن‌ها مخالف هستند و چون خودشان سواد جنسی کافی ندارند، انتظار نمی‌رود بتوانند فرزندان خود را در این زمینه آموزش دهند؛ بنابراین بخش بزرگی از این مهم بر عهده آموزش و پرورش است. آموزش دادن به والدین (رسمی یا غیررسمی) در زمینه تربیت جنسی فرزندانشان با توجه به گروه‌های سنی و مراحل مختلف رشد. سیاست‌های آموزشی، مواد درسی را متونی مقدس و تغییرناپذیر تلقی نکنند، بلکه انتقاد را سرلوحه کار خود قرار دهند تا فراگیران که والدین آتی خواهند بود، بتوانند به اطلاعات بهداشت جنسی و مهارت‌های ارتباطی مجهز شوند؛ و در مواقع لزوم بتوانند با انتقال ارزش‌ها به سؤالات فرزندانشان پاسخ صحیح و اصولی بدهند؛ و همیشه راه ارتباط خود و کودک را در این زمینه باز نگه دارند؛ بنابراین طراحی و اجرای مداخلات آموزشی برای ارتقای سطح آگاهی والدین و لزوم هماهنگی والدین و مربیان برای رسیدن به نتیجه بهتر، ضروری است.

۶- تقدیر و تشکر

گروه نویسندگان از کلیه‌ی مشارکت‌کنندگان عزیز در این پژوهش تشکر می‌نمایند.

1. Gilliam, Jagoda, Heathcock, Orzalli, Saper, Dudley & et al
2. Wilder & Watt

۷- منابع

- ۱- اسعدی، م. (۱۳۹۳). رابطه بین زمینه اجتماعی فرهنگی با شیوه تربیتی والدین، موفقیت تحصیلی و سبک یادگیری فرزندان. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۱۲(۱)، ۱-۱۵.
- ۲- اسفندیاری، غ. ر. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- ۳- باقری، ن.، پولادی، ش.، امینی راستابی، ز. (۱۳۹۹). تربیت جنسی کودکان توسط والدین. *فصلنامه علمی دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری*، ۸(۳۲): ۲۷-۴۲.
- ۴- بشارت، م. ع. (۱۳۹۲). مقیاس دلبستگی بزرگسال: پرسشنامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری (نسخه فارسی). *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۹(۳۵)، ۳۱۷-۳۲۰.
- ۵- بشارت، م. ع.، و رنجبر کلاگری، ا. (۱۳۹۲). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی: پایایی، روایی و تحلیل عاملی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۴)، ۱۶۸-۱۴۷.
- ۶- بیگدلی مجرد، ف.، انتصارفومنی، غلامحسین.، حجازی، م. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش سکس تراپی (روابط جنسی) مبتنی بر شناختی رفتاری بر کاهش دلزدگی زناشویی و افزایش کیفیت زناشویی پرستاران زن متأهل. *پژوهش پرستاری*، ۱۵(۳)، ۱-۹.
- ۷- پناهی، ع. ا. (۱۳۹۹). اهمیت آشنایی با فرایند فرزندپروری با تأکید بر توقعات تربیتی - روان‌شناختی حداقلی اسلام از والدین. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴(۲۷)، ۱۴۱-۱۶۲.
- ۸- پوررحیمی، س.، کنعانی، م. ا.، حلاج زاده، ه. (۱۳۹۹). نقش سرمایه فرهنگی خانواده در سبک‌های فرزندپروری: مطالعه‌ای در میان سرپرستان خانواده‌های رشت. *فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۷(۲): ۹۷-۱۱۸.
- ۹- آقایی هیر، ت.، عباس زاده، م.، علیزاده اقدم، م. ب.، کاتبی علی آبادی، م. (۱۳۹۹). سلامت جنسی به مثابه مساله ای اجتماعی. *مجله زن در توسعه و سیاست*، ۱۸(۴): ۶۱۹-۶۴۲.
- ۱۰- حسینی خیرآبادی، س. ح.، مؤمنی مهمویی، ح.، زیرک، م.، اکبری، ا. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر بر تربیت جنسی دانش آموزان نوجوان شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹. *مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه*، ۸(۳)، ۸۷-۹۵.
- ۱۱- ذکایی فر، آ.، و موسی‌زاده، ت. (۱۳۹۹). نقش سبک‌های فرزند پروری والدین در پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستان ۵ و ۶ ساله. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۰(۳۷): ۸۷-۱۰۰.
- ۱۲- رادمهر، ف.، و حیدریانی، ل. (۱۳۹۸). تبیین نگرش به بزهکاری در نوجوانان بر اساس سبک‌های فرزندپروری. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۴(۵۵)، ۵۲-۲۹.
- ۱۳- زهراکار، ک.، و جعفری، ف. (۱۴۰۰). مشاوره خانواده، مفاهیم، تاریخچه، فرآیند و نظریه ها. چاپ سیزدهم. نشر ارسباران. تهران.
- ۱۴- سلطانی، ف. (۱۴۰۱). تأثیر شیوه های فرزندپروری بر سبک های هویت دانش آموزان دختر متوسطه اول. *پژوهشنامه اورمزد*، ۵۹(ضمیمه شماره ۲)، ۱۲۵-۱۵۱.
- ۱۵- شمس‌اللهی، م.، و جدیدیان، ا. ع. (۱۳۹۹). اثربخشی سبک‌های فرزندپروری والدین بر گرایش دانش‌آموزان به رفتارهای پرخطر. *مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، ۳(۱۲)، ۲۲-۱۳.
- ۱۶- صادقی، م. ج. (۱۳۹۸). نقش خانواده در تربیت جنسی کودکان. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۴(۳۰)، ۷۰-۴۵.
- ۱۷- طاوسی، س.، شفیق‌آبادی، ع.، سلیمی بجستانی، ح. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مؤلفه‌های تربیت جنسی به مادران بر اضطراب دختران پایه پنجم و ششم. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۱)، ۱۱۷-۱۳۸.

- ۱۸- طهماسب زاده شیخ‌لار، د.، عظیم‌پور، ا.، ایمان‌زاده، ع.، عباس‌زاده، م. (۱۳۹۹). شناسایی و روان‌سنجی راهبردهای آموزش تربیت جنسی نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله ایرانی بر اساس دیدگاه معلمان و والدین: پژوهش آمیخته. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۲(۲)، ۲۳۱-۲۵۳.
- ۱۹- فرج‌نیا، س.، حسینیان، س.، شهیدی، ش.، صادقی، م. (۱۳۹۳). تهیه و ارزیابی ویژگیهای روانسنجی مقیاس عملکرد جنسی زناشویی. *مشاوره کاربردی*، ۷، ۱۰۲-۸۵.
- ۲۰- فریدی زاده، ف.، حیدری، م. ح.، نیستانی، م. ر. (۱۳۹۸). بررسی رابطه گفتگومحوری در خانواده با خودگردانی فرزندان و تبیین تربیتی آن. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۴(۴۹)، ۷-۲۳.
- ۲۱- کارشکی، ح.، مهدوی کیا، س.، خادمی، غ. م.، گلمکانی، ح. (۱۳۹۸). رواسازی و اعتباریابی مقیاس رفتار جنسی نرمال در کودکان. *روان‌شناسی بالینی*، ۱۱(۱)، ۸۳-۹۲.
- ۲۲- معماری، س.، خنیفر، ح.، مهران، گ.، یزدانی، ح. ر.، و فریدونی، س. (۱۳۹۸). واکاوی مفهوم سلامت جنسی دانش آموزان نوجوان از منظر صاحب نظران با تمرکز بر آموزش والدین: تحلیل محتوای کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۸(۳)، ۲۴۷-۲۵۹.
- ۲۳- وکیلی، پ.، و آقاحسینی، ن. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش سبک‌های فرزندپروری والدین بر انگیزه پیشرفت و حرمت خود کودکان. *آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*، ۵(۲): ۲۲-۱.
- ۲۴- یوزباشی، ب.، معارف‌وند، م.، حسین زاده، س. (۱۳۹۶). روایی و پایایی دو پرسشنامه سنجش میزان راحتی والدین در گفتگو در مورد موضوعات جنسی و سنجش میزان علاقمندی والدین به گفتگو در مورد موضوعات جنسی. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۱۹(۱۹): ۳۷-۴۳.
- 25- Baumrind, D. (1978). Early socialization and adolescent competence. In: Dragastin SE, Elder GH. Ed. *Adolescence in the life cycle: psychological change and social context*. New York: Wiley.
- 26- Bohm, D. (1994). Soma-significance: A new notion of the relationship between the physical and the mental. *Psychoscience*, 1, 6-27.
- 27- Brosnan, T., Kolubinski, D. C., & Spada, M. M. (2020). Parenting styles and metacognitions as predictors of cannabis use. *Addictive behaviors reports*, 11, 100259.
- 28- Cheedalla, A., Moreau, C., & Burke, A. E. (2020). Sex education and contraceptive use of adolescent and young adult females in the United States: an analysis of the National Survey of Family Growth 2011–2017. *Contraception: X*, 2, 100048.
- 29- Gilliam, M., Jagoda, P., Heathcock, S., Orzalli, S., Saper, C., Dudley, J., & Wilson, C. (2016). LifeChanger: A pilot study of a game-based curriculum for sexuality education. *Journal of pediatric and adolescent gynecology*, 29(2), 148-153.
- 30- Goldfarb, E. S., & Lieberman, L. D. (2021). Three decades of research: The case for comprehensive sex education. *Journal of Adolescent Health*, 68(1), 13-27.
- 31- Kazdin, A. E., & Whitley, M. K. (2006). Comorbidity, case complexity, and effects of evidence-based treatment for children referred for disruptive behavior. *Journal of consulting and clinical psychology*, 74(3), 455.
- 32- Kline, R. B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- 33- Koblinsky, S., & Atkinson, J. (1982). Parental plans for children's sex education. *Family Relations*, 29-35.
- 34- Keijsers, R., Olofsdotter, S., Nilsson, K. W., & Åslund, C. (2020). The influence of parenting styles and parental depression on adolescent depressive symptoms: A cross-sectional and longitudinal approach. *Mental Health & Prevention*, 20, 200193.
- 35- van Wees, S. H., Fried, S., & Larsson, E. C. (2021). Arabic speaking migrant parents' perceptions of sex education in Sweden: A qualitative study. *Sexual & Reproductive Healthcare*, 28, 100596.
- 36- Wilder, E. I., & Watt, T. T. (2002). Risky parental behavior and adolescent sexual activity at first coitus. *The Milbank Quarterly*, 80(3), 481-524.
- 37- Yoost, J., Ruley, M., & Durfee, L. (2021). Acceptability of a comprehensive sex education self-study website for teaching reproductive health: A pilot study among college students and obstetrics and gynecology resident physicians. *Sexual Medicine*, 9(1), 100302-100302.

The Relationship Between Parenting Styles with Parents' Sexual Knowledge and Attitude and the Level of Interest in Talking about Sexual Issues in Shirazi Families

Soheila Bastani^{*1}, Mitra Safakish²

1- PhD Counseling, Department of counseling, Fatemiyeh Shiraz Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Soheilabastani3@gmail.com

2- M.Sc. Consulting Student, Department of counseling, Fatemiyeh Shiraz Institute of Higher Education, Shiraz, Iran.

Mitrasafakish@gmail.com

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between parenting styles with parents' sexual knowledge and attitude and the level of interest in talking about sexual issues with children in Shiraz. Therefore, 160 parents with children were selected by convenience sampling as a statistical sample. The data were collected by Parenting Styles Questionnaire (Baumrind, 1991), Parents' Interest in Talking about Sexual Issues (Koblinsky & Atkinson, 1982), and Sexual Knowledge and Attitude Scale (Besharat, 2005). The reliability of the instruments was estimated using Cronbach's alpha. The relationship between each dimension of parenting styles and parents' sexual knowledge and attitude and interest in talking about sexual issues was examined using correlation and regression analysis. The results revealed a significant negative relationship between authoritarian parenting style and interest in talking about sexual issues. There was a significant positive relationship between authoritative parenting style and sexual knowledge and attitude. Furthermore, no significant relationship was found between permissive parenting style and sexual knowledge and attitude, and interest in talking about sexual issues in the family. However, even with the introduction of sexual knowledge and attitudes as predictors, the authoritarian parenting style still negatively predicted the level of parents' interest in discussing sexual issues. According to the results, the best parenting style for communicating with children and talking about sexual issues is the authoritative parenting style. Parents should increase their knowledge and awareness about sexual issues and learn the principles of authoritative parenting to prevent high-risk and harmful behaviors in children.

Keywords: Family, Parenting Styles, Sexual knowledge and attitude, Interest in talking about sexual issues.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)